

محاصره اقتصادی مردم ایران، جنایت علیه بشریت است

امان کفا

آمریکا افزایش تحریم های اقتصادی علیه ایران، و هر فرد یا نهادی را که در دور زدن تحریم ها علیه ایران سهم داشته باشد، اعلام داشت. این تحریم ها، بنا بر سخنانی اسکات بسنت، فراتر از آنچه تا بحال تصویب شده است، قرار است که امکانات و توان اقتصادی ایران را به حدی کاهش دهد که مقامات جمهوری اسلامی تمامی خواسته های اعلام شده ترامپ را در مذاکرات بپذیرند. دولت امریکا مدعی است که این سیاست در مورد ونزوئلا و کوبا موثر بوده است و امروز نیز با اعمال آن در مورد ایران، نتیجه خواهد داد.

ترامپ مدعی است که امریکا از چنان قدرتی برخوردار است که این تحریم ها را اجرا کند و دسترسی جمهوری اسلامی به منابع و امکانات اقتصادی خود را، متوقف سازد. به عبارتی دیگر، تهدیدها چنان برنامه ریزی شده اند که هرگونه تجارت با ایران غیر ممکن خواهد بود. اما، این ادعا، در دنیای چند قطبی امروز نه آسان است و نه به فوریت قابل اجرا. مستقل از توان نظامی و اقتصادی آمریکای امروز، اجرای همه جانبه چنین سیاستی در دنیای چند قطبی کنونی، با در نظر داشتن گستردگی تجارت جهانی، تنها حاکی از این واقعیت است که سیاست جنگی و نظامی آمریکا و اسرائیل شکست خورده است. این شکست نه در رابطه با ایران، بلکه شکست قابل تاملی در سیاست به مراتب وسیعتر امریکا، و بر متن رقابت های منطقه ای و جهانی است که با این جنگ در ایران کلیک خورد. همانطور که بازتاب تا به امروز چنین شکستی در شکلگیری های جدید سیاسی، نظیر پیمان نظامی عربستان، ترکیه و پاکستان، به وضوح قابل مشاهده است. در عین حال، مقامات جمهوری اسلامی نیز، هر کشوری را که به این تحریم ها تن دهد، «دشمن ایران» معرفی کردند و برای آنان خط و نشان کشیدند. این تهدیدها، با تکیه به جایگاهی است که جمهوری اسلامی در سطح منطقه و فراتر از آن، به یمن این جنگ، نصیب خود کرده است.

موقعیتی که جمهوری اسلامی تلاش دارد تا از آن بیشترین استفاده را در قبال دشمن اصلی خود، یعنی مردم و جنبش اعتراضی در ایران، به کار گیرد. ... صفحه ۴

-کارگران جهان متحد شوید!

شکاف در بالا، هراس از قدرت پائین (در حاشیه شکست طرح نفوذ و امنیت)

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

طی یک هفته اخیر، دو خبر گویاتر از صدها تحلیل سیاسی منتشر شد. خبر تصویب کلیات «طرح مقابله با نفوذ سرویس های اطلاعاتی و دولت ها یا نهادهای بیگانه» از طرف مجلس و مخالفت رسمی دولت در برابر همان طرح با هشدار نسبت به پیامدهای سیاسی، اجتماعی، علمی و بین المللی آن!

این فقط اختلاف دولت و مجلس نیست. پشت این تناقض یک واقعیت بزرگتر ایستاده است: هراس از جامعه؛ هراس از مردمی که حاکمیت بارها قدرتش را دیده و طعم «تلخ» فروش شان را چشیده است. جمهوری اسلامی امروز با جامعه ای روبه روست که دیگر نمی توان هر تصمیمی را بدون محاسبه واکنش آن و آواری که بر سرش میریزد، پیش برد. حکومت هنوز زندان دارد، دستگاه امنیتی دارد، نیروی نظامی دارد و اعدام و سرکوب می کند. اما همین حکومت بارها ناچار شده در برابر واکنش گسترده جامعه عقب بنشیند، طرح هایی را متوقف کند یا اجرای آن را به تعویق بیندازد. ... صفحه ۲

نمونه برجسته آن قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب»، قانونی با هدف بازپس گیری دستاوردهای خیزش «زن، زندگی، آزادی»، بود. قانونی که پس از تصویب در مجلس، پس از کشمکش دولت و مجلس بر سر اجرای آن، بالاخره با دخالت شورای عالی امنیت، در آذر ۱۴۰۳، از دستور مجلس و دولت خارج و بایگانی شد.

چرا حکومتی که خود قانون را تصویب کرده بود، از رفتن پای اجرای آن عقب نشست؟ ... صفحه ۲

شورش گرسنگان از شعار تا واقعیت

در ستایش شکل دادن نطفه های حکومت کارگری

مصطفی اسدپور

جنگ قمار و حدس و گمان بر سر یک شورش گرسنگان در طالع کوتاه مدت تحولات در ایران کماکان بگرمی ادامه دارد. پر حرارت تر از همه خود جمهوری اسلامی و از زبان ارگانهای کمابیش کارگری آن هستند. نوشته حاضر هر چند که تعیین و ترسیم مشخصات دقیق تلاطم ها ممکن نیست، اما در همین حد هم که هست، «بازی» رسانه های مقامات جمهوری اسلامی با آتش در راه خیزش تازه را میبذیرد و مخاطرات خیزش تازه و به مشخصات مقابله با این شرایط را میپردازد. گذری بر اخبار تیر و مردادماه به همراه تجزیه و تحلیل حواشی جنگ برای نوشته مبنایی است شتاب جنون آمیز جامعه به سوی خیزش بعدی از نظر کمونیستها در مقابل کل بورژوازی را معنی جدی ببخشد. حرف حساب نوشته این است بدون شک در غیاب بحث و دخالت کمونیستی جامعه و طبقه کارگر در مقابل شورش گرسنگان و شکست ناگزیر آن بدون حفاظ ایستاده است. به عبارت دیگر «شورش گرسنگان» چقدر شورش و چقدر گرسنگی و چقدر اجتناب ناپذیر یا ناگهانی؛ موضوع این نوشته است. بورژوازی ایران از موارد قبلی درسهای مهمی آموخته و موضع تهاجمی و اشتهای آن در عقب راندن طبقه کارگر واقعا خیره کننده است. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

معادله قدرت است. طرف دیگر میلیون‌ها انسانی هستند که جامعه را می‌گردانند و می‌توانند بنیادهای جامعه را از پایین تغییر دهند.

همین نیروی پایین جامعه است که می‌تواند محاسبات بالای حکومت را به هم بریزد؛ همان نیرویی که باعث می‌شود قانونی نوشته و تصویب شود، اما هنگام اجرای آن دست‌ها بلرزد و شورای عالی امنیت ملی وارد میدان شود؛ همان نیرویی که باعث می‌شود حتی درون حکومت بر سر هزینه سیاسی و اجتماعی طرح‌های امنیتی اختلاف ایجاد شود.

مردم آزادیخواه ایران!

قدرت خود را دست‌کم نگیرید! حاکمیت از جامعه‌ای آرام و پراکنده نمی‌ترسد. از لحظه‌ای می‌ترسد که اعتراض‌های جدا از یکدیگر به یک قدرت اجتماعی سراسری تبدیل شوند. از پیوند زن و کارگر، معلم و دانشجو، بازنشسته و جوان می‌ترسد. از لحظه‌ای می‌ترسد که مردم دیگر منتظر نتیجه کشمکش دولت‌ها، جنگ‌ها، تحریم‌ها و معاملات پشت پرده نمانند و خود به عنوان یک نیروی مستقل وارد میدان سیاست شوند. به همین دلیل آینده ایران را نباید فقط از پشت نقشه جنگ، موشک‌ها، مذاکرات و موازنه دولت‌ها دید.

شما یک طرف این موازنه اید. نه استبداد داخلی و نه هیچ قدرت خارجی قرار نیست آزادی را به جامعه هدیه کند. نیروی آزادی در پایین جامعه است؛ در میلیون‌ها انسانی که اگر قدرت خود را بشناسند، متشکل شوند و به میدان بیایند، می‌توانند تمام محاسبات قدرت را تغییر دهند. آنها این قدرت را دیده‌اند. در خیابان دیده‌اند. در اعتراض زنان دیده‌اند. در اعتصاب کارگران دیده‌اند. در اعتراض معلمان و بازنشستگان دیده‌اند. و در عصیان نسلی دیده‌اند که دیگر به آسانی عقب نمی‌رود. نه موشک، نه پهباد، نه دستگاه امنیتی و نه هیاهوی «دشمن خارجی» نمی‌تواند برای همیشه دشمن اصلی جمهوری اسلامی، قدرتی عظیم که در پایین جامعه وجود دارد، را حاشیه ای کند.

قدرتی که هنوز تمام ظرفیت خود را به میدان نیاورده، اما حاکمیت بارها تنها با دیدن گوشه‌هایی از آن عقب نشسته است. این سرچشمه و نقطه هراسشان است: ترس از روزی که این قدرت پراکنده، به قدرت متشکل مردم تبدیل شود.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

دوم شهریور ۱۴۰۵ - ۲۴ اوت ۲۰۲۶

زیرا میدانستند جامعه به مصاف آن میرفت، زنان و نسل جوان به آن جواب نه میدادند و ادامه و پافشاری بر اجرای آن به جدالی بزرگ با جامعه تبدیل میشد که انتهای آن بر جمهوری اسلامی روشن نبود. حاکمیت تجربه جنبش دیماه ۶۹، آبان ۹۸ و جنبش «زن، زندگی، آزادی» را داشت و خطر رویارویی دوباره با جامعه‌ای که یک بار نشان داده بود تلاش برای تحمیل زندگی زیر قوانین ارتجاعی اسلامی، ضد زن و عقب مانده می‌تواند آتش یک اعتراض عظیم اجتماعی را شعله ور کند، را می‌دید.

این همان هراسی است که امروز نیز باید در پس اختلاف بر سر اجرای طرح‌های امنیتی دید. نه مجلس و نه دولت مخالفت تعرض به جامعه و فضای سیاسی آن به نام «طرح نفوذ و امنیت» ندارند. اختلاف بر سر ارزیابی آنها از میزان تحمل جامعه و هراس از عکس العمل مردم و عواقب آن است.

چند دهه است، هر اعتراض و نارضایتی اجتماعی با ادبیات «دشمن»، «نفوذ»، «توطئه خارجی» و «امنیت ملی» توضیح داده می‌شود. اما روسای حکومت بهتر از هرکسی می‌دانند که فقر، گرانی، تبعیض، سرکوب، بی‌حقوقی، استثمار و بردگی و به‌علاوه اعتراض جامعه، اعتراض طبقه کارگر و زنان، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و خشم جوانان را هیچ سرویس اطلاعاتی خارجی اختراع نکرده است. اینها در دل همین جامعه تولید شده‌اند و درست همین واقعیت برایشان ترسناک است. زیرا دشمن خارجی را می‌توان با موشک و ارتش و دستگاه اطلاعاتی توضیح داد و با آن مقابله کرد؛ اما با میلیون‌ها انسانی که دیگر حاضر نیستند مانند گذشته فرمان ببرند چه باید کرد؟ هراس واقعی از پایین است.

هراس واقعی از تبدیل این نفرت عمومی به سازمان، به اتحاد پایدارتر و سازمانیافته تر است. ترس از تبدیل نارضایتی و نفرت کارگران از زندگی حقیرانه تحمیل شده، از قانون و سیستم استثمارگرانه کنونی به اعتصابات قدرتمند کارگری که هیچ ارتش و زندان و تهدیدی توانای مقابله جدی با آنرا ندارد، است. ترس بالا از این است، ترس از نسلی که ترس گذشته را کمتر با خود حمل می‌کند و از زندان و تهدید دستگاه سرکوب نمی‌ترسد. به همین دلیل است که حتی در بالاترین سطوح حکومت بر سر این سؤال اختلاف ایجاد می‌شود که تا کجا می‌توان به این جامعه فشار آورد بدون آنکه انفجار اجتماعی دیگری را تحریک کرد.

تحولات نظامی و سیاسی منطقه واقعی‌اند. رقابت آمریکا، اسرائیل، جمهوری اسلامی، روسیه، چین و دیگر دولت‌ها واقعی است. موشک و پهباد و جنگ و تحریم نیز واقعی‌اند. اما این فقط یک طرف

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره‌مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

برای بورژوازی حاکم با هر نام خیزش و یا شورش و یا حتی انقلاب تا آنجا خطرناک است که از کنترل آنها خارج باشد. تلاش همین امروز مانند موارد متعدد دیگر سالهای قبل، تلاش جمهوری اسلامی تلاش برای یک موج اعتراضی زودرس است. زمینه لازم برای آن در طیف وسیع رنگارنگ اپوزیسیون دست راستی و ارتجاعی و ناسیونالیستی فراهم است و این قمار همچنان ادامه دارد. برای کمونیستها جز تعرض قوی تر چاره دیگری نیست، که باید موقع به میدان بیایند. تعرض کارگری و کمونیستی آنجاست که صفحه رویاروی طبقاتی را شکل دهد که بنوبه خود نه شورش و نه گرسنه را برای تعریف خود و برای مشخصات مبارزه خویش تقلیل گرایانه و طبقاتی مسموم دیده و آنرا نمی پذیرد.

اپیزود اول: در عالم واقع، خشم بازار با شورش گرسنگان؟

توجه شما را به دو خبر از میان عناوین مهم خبری تیر و مرداد ماه سال جاری در ایران جلب میکنم:

«سایه گرانی نان بر زندگی فرودستان / دیگر طبقه متوسط نداریم»
(سایت خبری اکونومیست، تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۴۰۵)

قیمت اقلام اساسی در بازار روند صعودی خود را ادامه می دهد، اکنون نان، که برای بسیاری از خانواده های کم درآمد و گروه های ضعیف ترین اقشار، اصلی ترین قوت است، با افزایش قیمت مواجه شده است. این مساله نه تنها بر قدرت خرید مردم اثر گذاشته، بلکه زنگ خطری جدی برای امنیت غذایی دهک های پایین به شمار می رود. افزایش هزینه های نان، ادامه روند کاهش سفره های خانوار و کاهش سبد مصرفی مناطق فقیر را نشان می دهد. در سال های قبل، کاهش منابع پروتئینی و حبوبات، اکنون نان تنها منبع اصلی تامین کالری بسیاری از خانواده ها است. با رشد قیمت ها، آنچه در یک زنجیره زودبازده دیده می شود، بحران معیشتی است که زندگی میلیون ها نفر را تحت تاثیر قرار داده است. آمارهای رسمی نشان می دهد که هزینه های نان در طول یک سال گذشته تا ۱۴۰ درصد افزایش یافته، در حالی که خود بازار گواهی می دهد قیمت ها در برخی مناطق حتی تا دو برابر شده است...

«چاره ای جز جیره بندی سوخت نداریم/ نرخ را پلکانی افزایش دهید»
(خبرگزاری کار ایران - ایلنا؛ دهم مردادماه ۱۴۰۵)

یک کارشناس اقتصادی به این اینکه بنزین نداریم، راهکارهای قیمتی را شکست خورده خواند و گفت: باید واقعیت را بپذیریم و بدنبال ریاضت اقتصادی و همچنین جیره بندی بنزین تعطیلی خودروسازی و محدودیت تردد خودروهای شخصی باشیم تا از این دوران عبور کنیم...

در همان خبر اول با جایگزینی «دهک» جمعیت بزرگی از ایران بجای مخرج مشترک کار و بهره کشی و کارگری با انواع شکاف بالا و پایین، منطقه، سبد کالایی از هم جدا میشوند. می رسید رقم ۱۴۰ درصد از کجا آمده است؟ متون ذکر شده فوق هر یک بنوبه خود نه فقط یک «خبر» بلکه یک پمپ در دل جامعه ای است تمام نقطه اتکای خود در تمام زمینه های را از دست داده است. افزایش قیمت نان و صف های جلوی بنزین را از چند هفته قبل مردم با چشمان خود دیده اند. همزمان با توجیهاات مسخره مقامات قطعی نان و بنزین در شکل یک هیولا در مقابل مردم است و چاره میطلبد. خشم بازار علیه راهکارهای قدیمی یا در مقابل، مردم نگویند بخت و حقانیت دست بردن به هر خس و خاشاک؛ دو قطبی مقابل وضعیت موجود نیست. پشت و روی یک سکه هستند که شورشیان و گرسنگان را با هم به قربانگاه مشترک میبرد. نقد فعال کارگری به نفس شورش (در معنای ماجراجویی و میلیتاریزم کور) و به نفس گرسنگی (با همه هاله ستایش فقر و دستهای پینه بسته و تسلیم) باید طنین انداز گردد. به این مساله باز خواهیم گشت.

اپیزود دوم: کدام دولت، دولت کدام طبقه!

یک برداشت مسموم و بی پایه دال بر دولت ناتوان و منفعل در اذهان عمومی انداخته شده که بدون لغو و انتقاد بیرحمانه آن تا قرنهای آینده در نکبت و فرودستی دست و پا خواهد زد. دولت در ایران و در تمام دنیا و در دل تاریخ با قدرت مجسم میشود. قدرت دولت بسیار فراتر از دستگاه امنیتی و رسمی سرکوب، در دستگاه مخوف رسانه ها، کرسی های دانشگاهی و سخنگویان ریز و درشت جریان دارد. همه جای دنیا دولت طبقه حاکم

سرمایه دار را در احزاب و افراد و برنامه ها و اهداف و روشهای عملی و نظری در خود سازمان میدهد تا در ترکیب و رقابت یا همکاری بهترین راه حل ممکن را پیش پای طبقه بگذارند.

در صحنه های تلویزیونی در صفحه اول تیراژ جراید صبح کشور گوش تا گوش شارلاتانهای تخریب پایه های زندگی و هستی همان مردم از بدتر شدن خبر میدهند و اینکه کاری نمیشود کرد و قرار نیست کاری صورت بگیرد. توجه خواننده این سطور را جلب میکنم که برای رضای خدا و وفاداری به فاکت و به حقیقت؛ فقط یک بار هم که شده استشنا دولت و مقام اول مملکت را نه بر اساس آنچه نمیداند و نمیفهمد (آقای پزشکین فرمودند چیزی از اقتصاد سرشان نمیشود و از اساتید و متخصصان استفاده خواهد شد!) نه بر اساس ناخنک باجناق و برادر و خواهر زاده های علی جنابان وزرا به خزانه بی صاحب مملکت مرتکب میگردند؛ بلکه تنها و تنها بر اساس آنچه مقامات ریز و درشت با کمال هوش و درایت و با تمام قدرت و ناموس و اعتقاد به انجام آن مشغولند مورد قضاوت قرار دهند:

شورش و خیزش و سرنوشت شوم آن جامعه در گرو دخالت دولت در غل و زنجیر دستمزدهای ستمگرانه است و این حاصل کارکرد مستقیم دولت است. تمام هارت و پورت دموکراتیک حکومتی آنوقت قرطاس بازی خانه کارگر را هم در چشم بندی تعیین دستمزدها اضافه کنید تا از دستمزدها، از اعداد روی کاغذ به توحش سرمایه روی کف سرد تولید، به شراکت وزارت کار و کارفرما برسید.

می رسید دولت کجاست؟ یک پرس و جوی سرپایی با هر کارگر شما را به ناامنی درندشت کار موقت و قراردادی و ناامنی شغلی رهنمون میشود. به یمن بکارگیری وسیع رایانه ای و کنترل جامع اطلاعات جامعه کارگری دخالت کارفرما و دولت از هر گوشه تولید به جنون کنترل کار و کارگر داده است. این مکانیسم بر اساس لغو و تعرض دلخواه و یکجانبه بر دریافتی کارگر یک سیستم گانگستر است که فقط بی اختیاری کارگر بر تنها مفر تامین نان و ملزومات زندگی خود و خانواده را اعمال میکند. قطع بیمه ها، قطع یارانه، قطع کوپن ها، تعویض دلبخواهی تاریخ اعتبار برگه های مالی و جنسی.. و هزار و یک چیز مشابه که «کاربر متقاضی گرایی» را به صبر و تکمیل پرونده دعوت میکند در یک یادآوری کوتاه است که به اوج اجرایی خود میرسد؛ ایشان اجازه نداد به اداره مربوطه مراجعه کند و موجب اجتماع و مزاحمت برای دایره اداری ایجاد کند!

هنر اصلی دولت در ایجاد دفاتر جداگانه میان شاغلین و بیکاران؛ تعریف منافع جداگانه برای آنها است. حق هر کس بر میزان تلاش و رقابت و جهد در تامین عملی هر چه بیشتر سود برای سرمایه است. آیا توحش بالاتر از این را میتوان سراغ گرفت؟

اپیزود سوم: کارگر چیست، کیست و کجاست؟

جامعه ایران را با جمعیت عظیم کارگر نامرئی باید شناساند. مردمی که در تشابه با خفاش که با دو بازوی خود و به یک ریسمان و در ارتباط با هم زنده هستند. در زیر زمین های کار و بهره کشی، در بیغوله های بهزیستی، در جمع وسیع لعنت خوردگان تن فروشی، معتادان، مشتریان کف بینی و در سوراخ سنبه های کنار در فرصتی برای شکار یک قطعه نان از خرت و پرت های دست فروشی سگ دو میزنند... و هنوز این جمعیت را باید شش میلیون افغانستانی، خوشبخت به حساب آورد که مطابق قانون مجازند در عصیان علیه وضع موجود شریک بشوند، کشته بشوند، و شاید یک قبر و تکه سنگی روی آن نصیبشان بشود که نام و نام فامیل نشان از او را به عالم و آدم بازگو باشد.

بازگشت به تیر و مرداد ۱۴۰۵

بنا به سایت داوطلب تیر ماه را با شصت و شش اعتراض کارگری در مراکز و حول مطالبات معرفی میکنند. با همین تعداد از کارگران و آمادگی آنها؛ با دسترسی به استدلال و محاسبات و در تجربه تعداد فضای جنگی و همه لطمات دیگر گویای آن است که آنچه بیشترین لطمات را به بار آورده تعطیلی کارخانجات و پراکندگی فعالین و آژیتاتورها است. سرمایه عظیم و گرانقدر طبقه کارگر ایران هستند و از ارتباط و سازمان یابی دستشان کوتاه است. هر تک مورد اعتراضات ذکر شده، اساسا فراخوانی برای نیروی کمونیزم است که نمیتوانند و باید از هر قدم و هر حرکت و سرمایه انقلابی بهره بگیرند. سرمایه انقلابی ایران را باید در باور و هزاران اعتصاب و «انقلاب کوچکتر» دید، و میدان داد. پیشرفت انقلاب در ایران نه با سرزنش و یا ناباوری به عصیانهای کمتر سازمان یافته بلکه به تقویت دستاوردهای ممکن در شرایط واقعا موجود گره میخورد.

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena

hekmatist.com

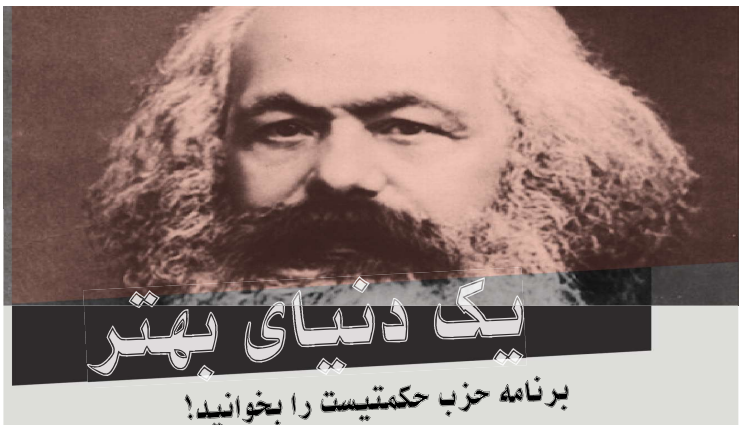
بر خلاف ادعاهای اسکات بسنت، تحریم همان محاصره اقتصادی است که مستقیماً مردم را از دسترسی به امکانات انرژی، غذا، و ... هدف قرار می دهد و به همین اعتبار جنایت جنگی علیه کل مردم به شمار می آید. همان جنایتی که در طول تاریخ مدون انسان، همواره علیه شهروندان توسط این یا آن حاکم متخاصم وقت، به کار گرفته شده است. اکنون هم، گرچه اتکا به نیروهای نظامی در پشت صحنه است، اما در دنیای جهانی شده سرمایه، مجریان حاضر در صحنه در قامت نهادهای قانونی بین المللی، بانک ها و شبکه های کامپیوتری و دیجیتال نقش بازی می کنند. جنایتی که مردم از کوبا تا غزه، از ایران تا ونزوئلا، و در بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی، همه جا قربانیان این سیاست هستند.

اگر تا قبل از این جنگ اخیر، اعمال تحریم ها تحت لوای «هدیه ای به مردم» ایران کادو پیچی می شد، اکنون دیگر حتی ترامپ هم اذعان دارد که تحریم های اقتصادی اعلام شده، در ادامه تحریم های گذشته، بخشی از همان جنگ است. جنگی که در آن مردم شاهد فرود موشک و بمباران نیستند، بلکه فلاکت، ویرانی و مرگ را نه یکباره بلکه در زندگی خود و همه جانبه تجربه می کنند.

امروز، با حتی اعلام تحریم ها، مردم در ایران نه تنها متحمل ویرانی حاصل از این جنگ، بلکه متحمل بیکاری گسترده و گسترش فقر هستند. جنگی که امریکا و اسرائیل آغاز کردند، تا همین جا موهبتی را در دامان جمهوری اسلامی در تقابل خود با مردمی که با اعتراضات خود، قدم به قدم حکومت را به عقب نشینی وادار می کردند، انداخت. گسترش تحریم ها مستقیماً از میزان قابل اجرا بودن آنها توسط آمریکا، بهانه ای دیگر به حکومت در قبال اوضاع وخیم زندگی مردم می دهد. بهانه ای که جمهوری اسلامی تلاش دارد تا از آن برای تحمیل بار سنگین تری بر دوش مردم استفاده کند.

اما این شرایط جنگی، چه نظامی، چه در «صلح» و با اقدامات اقتصادی، علیرغم تبلیغات جاری جمهوری اسلامی، قادر به زیر فرش کردن مشکل اصلی حکومت، در مقابل مردمی که برای سرنگونی آن ثانیه شماری می کنند، نیست. همه می دانند که مخاطب اصلی تمامی خط و نشان کشیدن های جمهوری اسلامی و ابزار قدرت خود در پس این جنگ، همین مردم هستند. مردمی که چندین دهه با انواع تحریم های گوناگون مواجه بوده اند، و همواره علیه آن و همچنین در مقابل تحمیل بار محاصره ها به خود، مقاومت و اعتراض کرده اند.

هفته گذشته، محسن زنگنه، رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید مجلس، از افزایش درآمدهای نفتی اخیر و وصول پول آن گزارش داد، به طوریکه طبق گزارش خبرگزاری فارس، علاوه بر درآمدهای غیر نفتی، درآمد نفتی چهار ماه اول سال کفاف همه مخارج ارزی دولت از تیر تا دیماه امسال را میدهد. به عبارتی دیگر، در طی این مدت، امکانات معینی را جمهوری اسلامی در اختیار گرفته است. این امکانات نباید تنها برای حکومتی ها و فقر گسترده و بی امان برای مردم، تحت لوای تحریم ها، قرار گیرد. این خواسته عمومی مردمی است که از همان ابتدا علیه جنگ و علیه انداختن بار آن بر دوش خود بودند. تحریم های فراگیر تر توسط آمریکا امروز، مستقیماً از میزان توان آمریکا و شرکا در به اجرا درآوردن آن، اقدامی علیه مردم در ایران و جنایتی جنگی است. جنایتی که جمهوری اسلامی نیز به بهانه آن، تلاش می کند تا مزد و زندگی مردم در ایران، را گرو بگیرد. باید به این جنایت جنگی پایان داد.



یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

.

بشریت و گلوگاههای جهانی رویکرد سوسیالیستی!

ثریا شهابی

اخبار به اصطلاح «جبهه های جنگ» آمریکا و اسرائیل با ایران، مذاکرات و حملات نظامی بر متن پروپاگاندها و تهدیدها و افاضات و تحرکات ترامپ علیه ایران دال بر اینکه «نابود می کنیم» و «همه زیرساخت ها را میزنم تا جمهوری اسلامی به زانو درآید» از یک طرف، و پیشروی فاشیسم رسمی و تروریسم یهودی در اسرائیل که به رهبری نتانیاهو هر روز ابتکارات بیمارگونه جنایی آن در شکنجه و اعدام فلسطینیان و پیشروی ماشین آدم کشی شان به هدف «نابودی کامل میلیونها فلسطینی» از طرف دیگر، و به موازات آنها مقابله به مثل جمهوری اسلامی و انتشار اخبار به اصطلاح جبهه های «مقاومت» علیه تعرض آمریکا و متحدین آن، و داعیه های اینکه این «مقاومت» و متحدین آن میزنند و «قدرت آن را دارد» که همه نشانه های هستی در کشورهای خلیج فارس و متحدین ترامپ را «نابود کنند»! اگر برای حامیان این تقابل «هیجان انگیز» باشد برای انسانهایی که قرار است همچنان ماتریال عملی شدن این سناریو ها در ابعاد نجومی تری باشند، کابوسی هولناک است.

چشم دوخت هرروزه جهانیان به «دهان ترامپ» که مذاکره میکند یا نه! که تنگه هرمز باز میشود یا نه، که ماشین این عملیات مخرب جهانی متوقف میشود یا نه! آیا بیش از این تخریب میکند یا نه! و متقابلاً چشم دوختن به «مقاومت» جمهوری اسلامی، در مقابل عملیات و عربده های رئیس عظیم ترین زرادخانه جهانی، که رسماً اعلام میکند امروز آمریکا بسیار از پیش از جنگ جهانی دوم قدرت تخریبی و ارباب و نابودی دارد و در چشم برهم زدن میتواند ایران را نابود کند! اگر برای ژورنالیست ها اخبار جنگی است، برای انسانهایی که در معرض حمله مستقیم این تهدیدات هستند و در خوف از بدتر شدن امروز و فردایشان لحظات زندگی را سرمیکنند، نه «جنگ» که هراسی بی پایان است.

هر مذاکره و معامله ای که بتواند ماشین های کشتار جمعی اسرائیل و آمریکا را حتی یک روز هم از کار ببندازد و کشتار خانواده های بیگناه بیشتری را بر اثر ریزش پمپ های ۹۰۰ کیلویی که بر سر مردم در قشم فرود آمد و فردا میتواند بر سر دهها شهر و روستا و استان دیگر فرود آید و قربانیان بیشتری بگیرد را به تعویق بیندازد، «بهتر» از ادامه این «مسابقه»، منهدم کننده است. اینجا هدف از این نوشته، نه تجزیه و تحلیل فازهای نظامی و اقتصادی این «جنگ» است و نه بررسی میزان تخریب ها و کشتارها در ایران و خاورمیانه و تأثیرات روزانه آن بر زندگی مردم در سراسر جهان یا نوسانات در نرخ های تورم و تغییرات در شاخص های بازار های مالی و که تلاش برای پاسخ دادن به سوال های پایه ای تر در مورد امکان «حل این معضل» با «کمترین درد» و با دخالتگری عناصر اصلی دخیل در صحنه است و همچنین، از منظر منافع مردم در ایران و سراسر جهان، گرفتن تصویری از یک دورما و آینده ای بهتر و روشن تر و در یک کلام «راه برون رفت».

سرتیتر مهمترین اخبار این «جنگ» را در پانویس این مطلب میتوانید بخوانید.

به موضوع نوشته بازگردیم. در این به اصطلاح جنگ، نشانه گیری های تهدید آمیز طرفین به حمله به منابع زیست جوامع انسانی ایران و کویت و عربستان و امارات و ... کشاندن این به اصطلاح جنگ، به تهدید در مورد زدن دکل های سوخت و تاسیسات آب شیرین کن و به آتش کشیدن شدن تاسیسات نفت و گاز و ... نفس در سینه مردم در ایران و در کل منطقه و به تبع آن در جهان، حبس کرده است! هرچند که «فعلاً» در حد تهدید طرفین باشد و نشان «قدرتمایی» و اشتها و آمادگی کامل برای اجرای آن!

از هر دو سو، مبلغین و مروجین استفاده از این شیوه ها، میگویند که این ها تهدیدات و پروپاگاندهای «جنگی» است، عملی نمی شود! میگویند این و آن دولت و قدرت در منطقه و در جهان، یا این و آن مانع داخلی ساختاری در نظام های درگیر در این «جنگ»، مانع کشیده شدن این تقابل به آن نقطه «خطرناک» و «سرنوشت ساز» خواهند شد و بگذارید که تهدید ها نقش «بازدارندگی» خود را ایفا کند!

اما واقعیت، چه در سطح نظری و چه تجربه تاریخی زیست جانوران کره خاکی شامل انسان، این است که هیچ تهدیدی اگر نشانی از به عمل درآمدن نداشته باشد، «بازدارنده» نیست و باید چنین تهدید هایی را به اندازه عملی شدن اش، جدی گرفت. این تهدید چه برای «تنبه» کودک باشد یا «انتقام» از جمعیت های میلیونی به بهانه جنگ حکومت بالای سرشان با حریف، نه تهدید که نقشه حمله است! از این رو «خوش بینی» نسبت به کارکرد «مثبت» این تهدید ها و توهم پراکنی در مورد «قدرت بازدارندگی» امروز آنها، یا «اطمینان خاطر» دادن نسبت به نتایج «مذاکرات»، یا تبلیغ در مورد تأثیرات «مثبت» آن ها در صورت وقوع و در «فردای پایان جنگ»، اگر توهم نباشد، ریاکاری است.

دادن وعده آینده «جهانی صلح آمیز» در پایان خط این مسابقه تخریب و کشتار جمعی و با «پیروزی» یکی از طرفین، «جهانی» که در پایان این سناریو در آن یا «آمریکا» و «جهان» از شر «ایران اسلامی» خلاص شده است و یا «ایران» و «خاورمیانه» و «جهان» از شر قلدری ها و مزاحمت های «آمریکا»، اگر توهم نباشد یک فریبکاری آشکار است. این توهم یا فریبکاری، خود بخشی از پروپاگاندها ماشین جنگی است که نمی خواهد آن را از کار ببندازد که میخواهد «موتور جنگی» آن را، برای «تقویت» روغن کاری کند.

این تهدیدها، از هردو سو، نه «بلوفی» در یک «پوکر» سیاسی و نظامی است و نه بدون «پشتوانه» و «نقشه راه»! تا اینجا «دیپلماسی» برای «مسلح کردن عربستان به سلاح اتمی» و ارباب و «دیپلماسی» برای به میدان کشاندن قدرت ها و کشورهای دیگری برای دخالت مستقیم، از هردوسو در جریان است و گوشه هایی از «نقشه های راه» را نشان میدهد! بالا و پایین رفتن نرخ دوری و نزدیکی های امروز قدرت های حاکم در منطقه له و علیه هم، تصویر کاملی از فردای صف بندی ها و جناح بندی ها و دخالت های مستقیم فردا نمی دهد! این پنجره ای است باز بر روی آینده ای میلیتاریستی تر، اتمی شده تر و نظامی تر با شرکت قدرت های بیشتر ضدمردمی در منطقه و در جهان.

تبلیغ در مورد عدم امکان به اجرا در آمدن آنها یا هرنوع توهم پراکنی در مورد تأثیرات «مثبت» این عوامل «بازدارنده» در «تاریخ» و زندگی «آیندگان»، یا امید بستن به «قدرت» و نحوه دخالت «رقبای خوش خیم»، چین و روسیه، برای پایان دادن به این مسابقه تبااهی، توهم و بخشی از پروپاگاندها، در امید بستن به ادامه این جدال است. رقاباتی که بی تردید همه گونه «یاری رسانی» به جوامع «قربانی» چون ایران و افغانستان و سوریه و لیبی و عراق خواهند کرد و تا جایی که ممکن باشد اسلحه و پول و تکنولوژی و .. برای «دخالت» و تقویت توان نظامی ایران فراهم خواهند کرد، اما کمترین محموله های کمک رسانی انسانی چون دارو و غذا و پزشک و مسکن و شیر خشک برای کودکان جنگ زده ایران و بازسازی بیمارستانها و مدارس و تاسیسات زندگی مردم ارسال نخواهند کرد! همانگونه که این حامیان، برای ارسال این نوع از «کمک» ها به قربانیان نسل کشی اسرائیل در غزه، ته لیست کشورهای کمک کننده هم نبودند و قطره چکانی کمک هایی کرده اند! *

هیچیک، نه چین و نه روسیه، حتی به اندازه برخی کشورهای دیگر، روابط سیاسی و اقتصادی و تجاری خود با اسرائیل را کاهش یا قطع نکردند. در به اصطلاح «مذاکرات ترامپ و حماس» در مورد سرنوشت بیش از دویلمیون فلسطینی باقی مانده از نسل کشی اسرائیل که امروز بدون کمترین امکانات اولیه زیست انسان در کمتر از ۴۰ درصد از نوار غزه فشرده شده اند، روسیه و چین نقش تعیین کننده ای در راستای منافع فلسطینیان نداشته و ندارند. هر دو در کنار تمام دول غربی و عربی، از «طرح صلح» و «هیئت صلح» ترامپ حمایت کردند. رقاباتی که تا کتون جز حمایت های لفظی و محکوم کردن ها و نکردن ها، دیپلماسی و بهره برداری سیاسی، در دفاع از فلسطینیان و مردم در خاورمیانه از هیچ بازوی نظامی، ادامه در صفحه بعدی علیه اسرائیل

جمهوری اسلامی و نیروهای سناریو سیاهی متحد ترامپ و نتانیاهو، این تقابل نه یک جنگ «آزادیبخش» است و نه یک جدال و مقاومت «عادلانه»!

کدام آزادی بخشی! کدام عدالت! مدفون کردن راهها و پل ها و .. علاوه بر کشتار بر اثر بمب و موشک و قطع دسترسی مردم ایران به آب آشامیدنی، و در مقابل آن قطع دسترسی جهانیان به نفت و تمام محصولات مورد نیاز شان از یکی از شاهراه های جهانی و حمله به تاسیسات آب شیرین کن کشورهای منطقه به بهانه همکاری دولت های مرتجع با آمریکا، همان بلایی که آمریکا و اسرائیل به بهانه حماس و حزب الله بر سر مردم غزه و لبنان و امروز ایران میآوردند! خراب کردن همان مصائب بر سر مردم و طبقه کارگر در کویت و عربستان و امارات و قطر و عمان و .. چه آزادی را نصیب چه کسی میکند! کجایش عادلانه است!

در گرو گرفتن جوامع انسانی، دیروز غزه و امروز ایران، تخریب زیر ساخت های حیاتی زیست انسان ها در ایران و دهها و دهها جامعه انسانی دیگر، و دادن تصویری از ماحصل این به اصلاح جنگ و در واقع مسابقه تخریب و کشتار جمعی مردم بیگانه ای که نه در ایران و نه در کویت و نه در عربستان و عراق و .. سهم و نقشی در جهنمی که گسترش آتش آن وعده داده میشود ندارند، کدام جلوه و نشانی از کمترین «آزادی بخشی» دارد!

در حمله به زیر ساخت های حیاتی جامعه ایران و تهدیدهای گسترده در مورد تخریب همه کشورهای منطقه، چه منزلت انسانی، چه حقانیت و چه ارزشها و عدالتی شکل گرفته است و میگیرد! ترازوی غزه، وعده های تعمیم و گسترش آن، آینه تمام نمای واقعیات این تقابل ها، همه جا است.

این واقعیت است که هیئت حاکمه های فاشیست در اسرائیل و آمریکا برای خروج خود از بن بست بی جوابی به معضلات سیاسی و اقتصادی که گنبدی نظام هایشان بر سرشان خراب کرده است، به جنگ و میلیتاریسم نیاز دارند و پس از عراق و لیبی و سوریه و غزه، این بار جمهوری اسلامی بهانه گسترش میلیتاریسم جهانی به رهبری آمریکا است!

این واقعیت است که ریشه حمله به ایران نه جوهر و خلعت ضدبشری جمهوری اسلامی ایران است، نه «خطر ایران اقی» و پرکاری ماشین کشتار جمهوری اسلامی از مردم بیگانه ایران، که زورآزمایی و جدال آمریکا با چین و روسیه بر سر حفظ کرسی «سرکردگی» آمریکا بر بورژوازی جهانی است!

این واقعیت است که جنگ با «دشمن خارجی» برای جمهوری اسلامی همیشه چوب زیربغلی بوده است برای حفظ خود در مقابل تعرض مردمی که چهار دهه است که نمی خواهند!

این واقعیت است که حضور و تحرکات سیاسی و میلیتاریستی آمریکا در خاورمیانه، بخصوص حفظ بقا اسرائیل بعنوان یک دولت اشغالگر و امروز فاشیست، بدون وجود متحدین اش در غرب و در خاورمیانه، عربستان و امارات و اردن و .. بدون داشتن پایگاههای نظامی و امنیتی آمریکا در خاورمیانه، ممکن نبود!

این واقعیت است که ارتجاع اسلامی، بعنوان یک قطب ارتجاعی تاریخی از این حضور و تحرکات میلیتاریستی آمریکا و از بی حقوقی و مظلومیت مردم فلسطین همواره سواستفاده کرده و از آن نیرو گرفته و «فربه» شده است!

سرنوشت حماس و غزه به روشنی گویا است که حتی اگر جمهوری اسلامی ایران امروز تماما تسلیم «مطالبات ترامپ» و در واقع بهانه های ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا شود، هنوز خطر ادامه این روند تخریب از سر ایران از بین نخواهد رفت! تسلیم شدنی که اگر کارساز بود و قادر بود این ماشین جنایات تعمیم یافته و رو به گسترش را از کار بیندازد، فشار برای تسلیم بی چون و چرای جمهوری اسلامی نه تنها منطقی که عادلانه و بشردوستانه بود. اما چنین سناریویی امکان عملی شدن ندارد! چرا که ایران بهانه جنگ آمریکا با چین و روسیه در مورد تعیین جایگاه ریاست بر جهان امپریالیستی است! سرنوشت غزه گواهی آینده ای است که ... ادامه در صفحه بعد

در این جنگ ها و مقاومت ها و تسلیم شدن ها و نشدن ها، نصیب

و آمریکا استفاده نکرده اند و نخواهند کرد! سیمای سوریه «آزاد شده توسط روسیه» امروز آینه تمام نمای «پیروزی» رقبای است.

چین در جدال خود با آمریکا، با تمام لطافات اقتصادی به دلیل بسته و باز شدن های تنگه هرمز، مشغول پیشروی های خود است. گاردین انگلیسی دوم اوت نوشت که: «پیشرفت های فناوری چین از سلیکون ولی تا کاخ سفید باعث هرج و مرج شده است. مدل های جدید هوش مصنوعی، ربات های پیشرفته و تراشه های کامپیوتری تخصصی، بازارها و صنعت فناوری ایالات متحده را آشفته کرده اند.» پیشروی که حاصل آن نه نجات جان مردم در عراق، نه سوریه، نه لیبی، نه غزه و نه ایران است و نه نجات جان مردم جهان، نه موجب «صلح» و «جهانی عادلانه»! افتخار این «پیروزی» هم نصیب کاپیتالیسم و بورژوازی چین و برتری آن بر آمریکا شده است!

پیروزی چین یا روسیه، نه پیروزی بشریت است و نه پیروزی مردم در خاورمیانه و نه بخصوص در ایران. اخبار را بخوانید. این درحالی است که رقیب قدرتمند آنها در آمریکا یکی پس از دیگری، حتی از سر استیصال کشورها را تحریم میکند، هر فرد و نهاد دولتی یا بین المللی را بخواهد به ورشکستگی می کشاند و به هرکجا خواست بمب و موشک میزند! قدرت آنها نه برای جهانیان و مردم ایران و عدالت و برابری و آزادی، که برای گرفتن سهمی از کیک جهانی است، که باید تجدید تقسیم شود. ایران با قریب نود میلیون جمعیت، نباید قربانی این تجدید تقسیم و برقراری «عدالت» بین قدرت های استثمارگر و سرکوب گر بورژوازی در سوار شدن بر گرده بشریت کارکن شود.

سرنوشت دردناک غزه و فلسطینیان، که از جمله در دل رقابت های جهانی و منطقه ای، عنصر تا مغز استخوان مرتجعی چون اردوغان برای آن «اشک تمساح» می ریخت و جمهوری اسلامی از آن قدرت میگرفت، آینه تمام نمایی است از نقش همه حکومت هایی که امروز بر مسند قدرت هستند و در این باطلاق مسابقه تخریب و کشتار، نقش دارند و هر یک بدنبال سهم خود از این باطلاق جنایی تعمیم یافته جهانی اند. هرنوع پیشروی یا عقب نشینی این «رقبا» له و علیه هم، تنها باطلاق را عمیق تر و عمیق تر میکند. تا جایی که دیگر اینکه، کدام حکومت تروریستی و فاشیست و قدرت میلیتاریستی و زورگویی برپایی این جهنم و منجلاط را شروع کرده است، چه قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی رقیبی از این شرایط بهره برداری کرده است، و کدامیک «مقابله به مثل» کرده است و ... تفاوتی در سرنوشت کسانی که در ایران و خلیج فارس و سراسر جهان، قرار است قربانی این حمام های خون و چرک گسترده جهانی شوند، ندارد!

توهم به این دوستان «دروغین مردم» چه فلسطینی، چه لبنانی، چه افغانستانی و چه عراقی چه یمنی و ... توهم به همه این قدرت های بورژوازی که «ریز و درشت» جملگی «امپریالیستی» هستند، به اندازه توهم به «بی بی» و «ترامپ» برای «کمک رسانی» به مبارزه مردم ایران، فریب است. این تبلیغات یا «کیسه دوختن» ها و توهم پراکنی ها، خود بخشی از دستگاه پروپاگاندا جنگی و در خدمت تداوم و گسترش این میدان مسابقه تخریب، نسل کشی و پاک سازی های قومی است. توجیه کننده فجایعی است، که پس از کشتار جمعی صدها میلیون بشر کره خاکی و تخریب دهها و دهها جامعه انسانی، قرن ها طول خواهد کشید که تأثیرات مخرب آن از جوامع انسانی و محیط زیست کره خاکی، زده شده شود! برای رسیدن به چنین نقطه ای، که خطر آن امروز بیش از همیشه بالا گرفته است، مهم نیست چه کسی جنگ را آغاز کرد، بهانه چه بود و چه کسی «دفاع» کرد و بهانه چه بود! چرا که این نه میدان جنگی آزادیبخش است و نه میدان جنگی ضدامپریالیستی و نه میدان دفاع در جنگی عدالتخواهانه! همه شرکا، یکی تهاجمی و دیگری «دفاعی» مشغول آتش زدن به خیمه و بارگاه و کودکان و سالمندان و غیرنظامیان قبایل دیگر هستند! آنها هم به کودکان و بیماران و سالمندان و پیروچوان، رحم نمی کنند! تعرض و دفاعی که در مقابل نسل کشی بساط نسل کشی به راه میاندازد، به همان اندازه جنایتکار و ضدبشری است. تصاویر خطرناک امکان گسترش این تقابل در مناطق نفتی بیشتر و به میدان آوردن دولت های دیگر و درگیری مستقیم کشورهای بیشتری در منطقه، واقعی و هولناک است.

برخلاف تعبیر رایج و توهم پراکنی های ناسیونالیست های طرفدار

کوچک آن امروز در جریان است. این «معضل» چه از جانب امریکا «حل» شود و چه با فرض محال از جانب ایران «حل» شود، یک «راه حل امپریالیستی» است نه ملی! تبلیغات ناسیونالیست‌هایی که این جدال را چون جدال‌های پیشا سرمایه داری جدال ضداستعماری قلمداد میکنند تا دستهای تعرض امپریالیستی دولت خودی را بعنوان جنایات بورژوازی «ملی» و «خودی» تطهیر کنند، بیش از حد رنگ و رو رفته است. بستن تنگه هرمز توسط ایران، یعنی بستن یکی از شاهراه‌های حیاتی حرکت کار و سرمایه جهانی. مستقل از اینکه ایران «امپریالیست» باشد یا نه، گرو گرفتن این «فونکسیون» در اقتصاد جهانی، یک اقدام و عمل امپریالیستی است.

تنگه هرمز نه «منزلت ملی» است و نه «کرامت ملی» و نه کنترل بر رفت و آمد محصولات و خدمات بشر کره خاکی حق انحصاری هیچ قدرت و دولتی باید باشد. نه این تنگه و نه سوئز و کردیدورهای زمینی و خطوط لوله و ... نه سایر شاهراه‌های حیاتی زندگی جهانی نباید در هیچ جنگ نظامی و تخاصم و رقابت و اختلاف و .. گروگان گرفته شود! همه دخالت‌ها در این عرصه، امپریالیستی است چه از جانب محمد رضا شاه و حکومت‌های «ژاندارم منطقه» و دست‌نشانده آمریکا و غرب صورت بگیرد چه از جانب دولت‌های «خودی»! این پدیده امپریالیستی است و بازی با آن گرو گرفتن معاش مردم جهان در جنگ قدرت است. این خصلت است که به آن خصلت امپریالیستی می‌دهد نه لشکر کشی‌های نظامی دوران استعماری پیشا سرمایه داری! هیچ بورژوازی و هیچ سرمایه‌ای در جهان، غیرامپریالیستی و ملی و وطنی و مترقی نیست!

شاهراه‌های حیاتی جهانی یا همان گلوگاه‌های استراتژیک، معابر باریک آبی و زمینی هستند که بخش بزرگی از تجارت، انرژی و حمل‌ونقل کالا در جهان از آن‌ها می‌گذرد. این محیط‌ها، همچون آسمان و هوا و اکسیژن اموال عمومی بشریتی است که در سراسر جهان برای تامین معاش سراسر قاره‌ها را می‌پیماید و برایش تفاوتی نمی‌کند که صاحب کارش کوییتی باشد یا ایرانی یا آمریکایی یا چینی! برده مزد است و برای دریافت حاصل مزدش، و دسترسی به محصولات و خدمات، زندگی‌اش نباید گروگان هیچ رقابت و جنگی میان دشمنان استثمارگر و بهره‌کش او قرار بگیرد.

اما اگر جهان بدست سوسیالیست‌ها بود! اگر در جهان یک قطب و یک جامعه و یک جنبش قوی سوسیالیستی در میدان بود! حق همه جوامع و کشورها در مورد باز و بسته نگاه داشتن شاهراه‌های حیاتی دسترسی جهانیان به مایحتاج زندگی را، چون دسترسی به آب و هوا و اکسیژن، در سراسر جهان همگانی میکرد! هیچ مالکیت خصوصی دولت و حکومت و بنگاهی بر این شاهراه‌ها را به رسمیت نمی‌شناخت! نه کسی در تنگه هرمز، نه در کانال سوئز، نه باب المندب، نه در تنگه مالاکا و کانال پاناما و تمام مسیرهای زمینی و هوایی تردد وسایل زندگی انسانها را به هیچ دلیل و بهانه‌ای قادر نبود مسدود کند!

ایران و اهمیت تنگه هرمز، مصر و اهمیت کانال سوئز و سایر تنگه‌ها و کانال‌ها و راههای ترانزیت و حمل و نقل کالا و خدمات، اموال عمومی جهانیان اعلام میشد! انترناسیوال کمونیستی! به هیچ قدرتی اجازه دعوا بر سر کنترل آن را نمی‌داد!

سرتیتر اخبار جبهه‌های «جنگ» در ایران، خاورمیانه، کشورهای خلیج، آمریکا، اسرائیل و بریتانیا و چین!

ایران

- «اعتماد: پاسخ ایران به عملی شدن تهدید ترامپ درباره حمله به زیرساخت‌ها چه خواهد بود؟ اگر فشار و تهدید به تحرک تبدیل شود، پاسخ ایران هم در سطح تحرک خواهد بود. مجموعه تحرکات و نشانه‌های میدانی در روزهای اخیر (هشدارهای کم‌سابقه سفارتخانه‌های امریکا برای خروج شهروندان از منطقه تا ادامه در صفحه بعد گزارش‌ها درباره افزایش احتمال جهش قیمتی در بازار انرژی) یک تصویر

شهروندان، جوامع انسانی میشود!

واقعیت این است که فروپاشی حکومت‌ها و میداننداری انواع باند‌های جنایی و نیروهای نیابتی قدرت‌های جهانی و راه اندازی جنگ‌های قومی و مذهبی هریک در راستای منافع قدرت‌هایی که با «کیس ایران» تلاش میکنند سهمی از «کیک» در تقسیم مجدد جهان «بورژوا امپریالیستی جدید» برند، دورهای ادامه این منجلاب است. به حاشیه راندن جنبش‌های مردمی برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و به انزوا کشاندن جنبش‌های مدنی مترقی در ایران و برجای گذاشتن ایران بعنوان یک «کانون جنگ بی انتها»، دورهای ادامه این مسابقه تخریب است.

در فلسطین از پیش روشن بود که، هدف نتانیا‌هو و اسرائیل تسلیم شدن حماس و تسویه حساب نظامی با حماس نبود! به طریق اولی از پیش روشن بود که هدف ترامپ مقابله با ایران اتمی و «تروریسم اسلامی» و «امنیت تنگه هرمز» و ... نیست و نبود. این‌ها بهانه‌ها است! نه علت حملات و جنایات و نسل‌کشی! مردم ایران و خاورمیانه گروگان جدال قدرت آمریکا با رقبای اصلی او، چین و روسیه، بر سر سرکردگی بر جهانی است که دیگری نمی‌تواند بر آن سرکرده‌ماند! در این سیر و در تجدید تقسیم جهان کاپتالیستی دیگر حفظ اسرائیل بعنوان پنجاه و یکمین ایالت آمریکا در خاورمیانه عربی با کشورهای بزرگ عربی و بورژوازی‌های بزرگ و «سهم خواه»، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود. ریشه عرب ستیزی و فلسطینی ستیزی دولت رسماً فاشیست اسرائیل، نه حماس و جمهوری اسلامی که ناامنی است که با فروپاشی صدرات آمریکا بر جهان نصیب این ایالت شده است. حفظ اسرائیل و تداوم حق‌کشی در حق مردم فلسطین در جهانی که علاوه بر قدرت‌های دیگر بورژوازی، شهروندان جهان و بخصوص مردم در خاورمیانه بارها علیه آن به میدان آمده‌اند، به سادگی ممکن نیست. از بهار عربی تا انقلاب تونس و تحولات انقلابی در ایران برای خلاصی از جمهوری اسلامی، مناسب‌ترین بستر برای رشد و گسترش جنبش‌های سوسیالیستی است. در چنین خاورمیانه‌ای، حفظ غده سرطانی دولت اشغالگری اسرائیل و ادامه غصب سرزمین‌های فلسطینیان، ممکن نیست!

جهان و معضل تنگه هرمز

اما در این بستر، بعلاوه معضل کنترل تنگه هرمز، که امری مربوط به موقعیت جغرافیایی ایران است، شرایط ایران را بیش از سایر کشورهای تخریب شده در خاورمیانه پیچیده میکند.

معضلی که در میدان این مسابقه تخریب حل و فصل نخواهد شد! «راه حل» معضل «کنترل تنگه هرمز»، در پایان یک تخاصم جهانی تعیین تکلیف خواهد شد و پس از «معلوم» اینکه که نهایتاً کدام قدرت و قدرت‌های بورژوازی جهانی، سهمی از صندلی قدرت آمریکا را تصاحب خواهند کرد، به سرانجام خواهد رسید!

خام اندیشی محض است اگر تصور کرد که «مقاومت» ایران و مقابله به مثل جمهوری اسلامی، کنترل این شاه‌رگ حیات اقتصاد جهانی را به بورژوازی ایران، اسلامی یا سلطنتی یا هر شکل دیگری، تحویل خواهد داد. این را، بورژوازی جهانی، نه آمریکا، نه بورژوازی غرب و نه چین و روسیه، نه همه قدرت‌های جهانی که در جوار تنگه‌ها و گذرگاه‌ها و شاهراه‌های آبی و هوایی و زمینی حمل و نقل کالا و خدمات و .. اقتصاد جهانی نشسته‌اند، به این سهولت و در این جنگ بعنوان محصولات پایان این تقابل، قبول نخواهند کرد داد.

کنترل تنگه هرمز به این شیوه تنها با یک راه حل «بورژوا - امپریالیستی» که فوری نیست و حاصل تخریب و کشتارها و گسترش مسابقه تخریب به ده‌ها جامعه دیگر، از نقطه نظر منافع بورژوازی جهانی «حل» خواهد شد. نگاهی به افغانستان و سوریه، کافی است که شکل و شمایل و ماحصل دولت‌های به اصطلاح «خودی» ضدامپریالیست را دید که چگونه هر دو «خدمتگزاران خوب» جهان بورژوا - امپریالیستی هستند!

حل معضل کنترل تنگه هرمز، به قیمت نابودی صدها میلیون نفر و تداوم حداقل یک دهه «جنگ جهانی» خواهد بود که یک فاز

واحد را تقویت می‌کند: دولت ترامپ با راهبردی پرریسک، خاورمیانه را به سمت «نقطه‌ای غیرقابل بازگشت» سوق می‌دهد. نقطه‌ای که در آن، امنیت انرژی جهانی، خطوط کشتیرانی و ثبات اقتصادی کشورهای منطقه به‌طور همزمان در معرض ضربه قرار می‌گیرد.»

- «شبکه شرق: ۱۰ مرداد ۱۴۰۵: «آمریکا بمب ۱۰۰۰ کیلویی بر روی خانه‌ای در قشم انداخت. نیویورک تایمز در گزارشی با بررسی تصاویر آثار حمله بامداد پنج‌شنبه به جزیره قشم، که باعث شهادت سه نفر از اعضای یک خانواده شد، اعلام کرد که احتمالاً این حمله با بمب سنگین مارک ۸۴ ارتش آمریکا انجام شده است؛ بمبی که به گفته کارشناسان تسلیحات و مهمات، احتمالاً به کیت هدایت JDAM مجهز بوده و در منطقه‌ای با خانه‌های متراکم فرود آمده است.»

اسرائیل

بی بی سی: ۱۱ مرداد «با حکم دادگاه، اجرای طرح استفاده از تمساح در اطراف زندان فلسطینی‌ها در اسرائیل متوقف شد! دادگاهی در اسرائیل با صدور حکمی موقت، اجرای طرح جنجال‌برانگیز استفاده از تمساح‌های رود نیل در اطراف یکی از زندان‌های محل نگهداری زندانیان فلسطینی را تا اطلاع ثانوی متوقف کرد. این حکم پس از آن صادر شد که یک سازمان مدافع حقوق حیوانات با ارائه دادخواستی فوری، خواستار جلوگیری از اجرای این طرح شد. بر اساس این طرح که از سوی ایتمار بن‌گوری، وزیر امنیت ملی اسرائیل، حمایت می‌شود، قرار بود خندقی در اطراف یکی از بندهای امنیتی زندان کنزیوت، در صحرای نقب، حفر و در آن تمساح‌های رود نیل نگهداری شوند.»

پ ن: بن‌گوری همان وزیر امنیتی است که پس از تصویب قانون ویژه برای اعدام شهروندان فلسطینی، همسرش به او کیک تولدی که بر روی آن طناب دار، اشاره به قانون اعدام اسرای فلسطینی، به او هدیه می‌دهد.

چین

گاردین: اول اوت ۲۰۲۶: «پیشرفت‌های فناوری چین از سیلیکون ولی تا کاخ سفید باعث هرج و مرج شده است. مدل‌های جدید هوش مصنوعی، ربات‌های پیشرفته و تراشه‌های کامپیوتری تخصصی، بازارها و صنعت فناوری ایالات متحده را آشفته کرده‌اند.»

«از نظر حجم کمک‌های بشردوستانه، چین جزو بزرگ‌ترین کمک‌کنندگان به غزه نبوده است. در رتبه‌بندی‌های مالی سازمان ملل و UNRWA، کمک‌های چین در سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ در حد دستکم سه میلیون دلار بوده و فاصله زیادی با کمک‌های آمریکا (پیش از تعلیق)، اتحادیه اروپا، آلمان، ژاپن، بریتانیا و کشورهای خلیج فارس دارد.»

«چین روابط تجاری خود با اسرائیل را به دلیل جنگ غزه قطع یا به‌طور معنادار کاهش نداده است. تجارت دوجانبه ادامه یافته، هرچند مانند بسیاری از کشورها تحت تأثیر شرایط اقتصادی و جنگ نوسان داشته است. هیچ تحریم اقتصادی یا قطع روابط تجاری از سوی پکن علیه اسرائیل اعمال نشده است»

روسیه

«روسیه روابط دیپلماتیک با اسرائیل را قطع نکرده است و تحریم اقتصادی یا تجاری فراگیری علیه اسرائیل اعمال نکرده است. از غزه حمایت سیاسی کرده است و به اسرائیل فشار اقتصادی وارد نکرده است»

خاورمیانه

«جنگ آمریکا علیه ایران از کنترل خارج شده است. درگیری ترامپ همچنان در حال تشدید است، عربستان سعودی به حملات هوایی در عراق پیوسته و بنا به گزارش‌ها در حال برنامه‌ریزی برای حمله به حوثی‌ها است. ممکن است رکود اقتصادی به دنبال داشته باشد»

«عربستان سعودی اعلام کرد که در انجام یک سری حملات هوایی در داخل عراق به ایالات متحده پیوسته است.»

«حماس با طرح ترامپ برای خلع سلاح در غزه موافقت کرد.»

«دونالد ترامپ از پیشرفت در مذاکرات خلع سلاح حماس در غزه و عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی خبر داده است، اما مقامات دولت اسرائیل نسبت به این توافق ابراز تردید کرده‌اند.»

گاردین: «تحلیلگران هشدار می‌دهند که حملات ایالات متحده و عربستان سعودی در عراق، منطقه را به سمت «قلمرو ناشناخته‌ای» سوق می‌دهد»

تصمیم ریاض برای پیوستن به ایالات متحده در حملات علیه شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران، جنگ رو به گسترش و «غیرقابل پیش‌بینی» را پیچیده‌تر می‌کند»

«تحلیلگران هشدار داده‌اند که حملات آمریکا و عربستان سعودی به شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران در عراق، منطقه را به سمت «قلمرو ناشناخته‌ای» سوق داده است.»

«حملات روز چهارشنبه پس از یک وقفه کوتاه در حملات مستقیم ایالات متحده به اهدافی در ایران انجام شد، اما متحدان تهران در یمن و فراتر از آن به طور فزاینده‌ای درگیر شده‌اند.»

«در همین حال، ایران در اولین حمله خود در منطقه از زمان توقف جنگ با ایالات متحده، موشک‌هایی را به تأسیسات نظامی ایالات متحده در اردن شلیک کرد.»

«آیا ایران یک «جنگ ابدی» است؟»

«همچنین روز چهارشنبه، انفجارهایی در یک بندر بارگیری گاز طبیعی در دریای مدیترانه در دمیاط، مصر رخ داد که طبق گزارش‌ها شامل یک حمله پهبادی بوده است، که اولین حمله گزارش شده به مصر در جنگ بوده است. منبع پهباد مشخص نیست.»

«شرکت امنیت دریایی بریتانیا، امبری، اعلام کرد که یک تانکر ذخیره شناور متعلق به ایالات متحده در آنجا توسط یک پهباد مورد اصابت قرار گرفته است، که یکی دیگر از گسترش‌های احتمالی جنگ خاورمیانه است.»

«در بغداد، ریاست جمهوری عراق حملات هوایی به نیروهای بسیج مردمی، که با نام الحشد الشعبی نیز شناخته می‌شود - یک اتحاد مسلح که شامل جناح‌های قدرتمند طرفدار ایران است - را «نقض آشکار حاکمیت عراق و هدف قرار دادن نهادهای رسمی آن» خواند.»

«نخست وزیر عراق، علی‌الزیدی، که اخیراً با ترامپ دیدار کرده بود، در پی این حملات، جلسه برنامه‌ریزی شده با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، در جده در روز پنجشنبه را لغو کرد.»

«عراق، که به شدت از بسته شدن تنگه هرمز، که بیشتر نفت آن از طریق آن صادر می‌شود، آسیب دیده است، برای جلوگیری از سرایت جنگ بین ایالات متحده و ایران به خارج از مرزهای خود تلاش کرده است.»

«در حالی که طبق گزارش‌ها، عربستان سعودی در تعدادی از حملات مخفیانه به ایران به عنوان بخشی از جنگ دست داشته است، دخالت آشکار ریاض نقطه عطف جدیدی در این درگیری است. شورشیان حوثی یمن که تحت حمایت ایران هستند، تقریباً یک هفته پیش از محاصره بنادر و محموله‌های سعودی در ورودی دریای سرخ خبر دادند.»

دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای تحت انقیاد

نگاهداشتن توده های تحت استثمار است. دولت قوه

فهریه سازمان یافته طبقه حاکمه است.

دولت ابزار اعمال حاکمیت طبقاتی است. هر دولتی.

مستقل از هر فرم و ظاهری که بخود پذیرفته باشد. چه

سلطنت و چه جمهوری. چه پارلمانی و چه استبدادی.

ابزار اعمال دیکتاتوری طبقه یا طبقات حاکم است.